



پزشکی و اسلام در هند مستعمره [۱۶۰۰ - ۱۹۰۰ م.]

نویسنده: سیما علوی



ترجمه: دکتر قربان بهزادیان نژاد



پزشکی و اسلام در هند مستعمره [۱۶۰۰-۱۹۰۰م.]

نویسنده

سیما علوی

ترجمه

دکتر قربان بهزادیان نژاد
استاد سابق دانشگاه تربیت مدرس

تهران، ۱۳۹۶



پزشکی و اسلام در هند مستعمره [۱۶۰۰-۱۹۰۰ م.]

مؤلف: سیما علوی

ترجمه: دکتر قربان بهزادیان نژاد (استاد دانشگاه تربیت مدرس)

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان، ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: چاپ تقویم

ردیف انتشار: ۷۴

۲۷۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید عباسپور، خیابان رستگاران، شهرز شرقی، شماره ۹

تلفن: ۳-۸۸۶۷۶۸۶۱ - ۸۸۶۷۶۸۶۰ - ۸۸۶۷۶۸۶۰

web: www.ptc.ac.ir

سرشناسه:	علوی، سیما
عنوان و نام پدیدآور:	Alavi, Seema پزشکی و اسلام در هند مستعمره (۱۶۰۰-۱۹۰۰ م.) / نویسنده سیما علوی؛ ترجمه قربان بهزادیان نژاد. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۶.
مشخصات نشر:	۴۴۴ ص: جدول.
مشخصات ظاهری:	۳-۸۸۶۷۶۸۶۱ - ۸۸۶۷۶۸۶۰ - ۸۸۶۷۶۸۶۰
شابک:	۳-۸۸۶۷۶۸۶۱ - ۸۸۶۷۶۸۶۰ - ۸۸۶۷۶۸۶۰
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	عنوان اصلی: Islam and healing : loss and recovery of an Indo-Muslim medical tradition, 1600-1900, 2008. کتابنامه.
یادداشت:	نمایه.
موضوع:	پزشکی عربی -- هند -- تاریخ
موضوع:	Medicine, Arab -- India -- History
موضوع:	پزشکی یونانی و رومی -- هند -- تاریخ
موضوع:	پزشکی -- هند -- تاریخ
شناسه افزوده:	بهزادیان نژاد، قربان، ۱۳۳۴ - مترجم
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۶ پ ۶۰۵/ع ۸۴
رده‌بندی دیویی:	۶۱۰/۹۳۸
شماره کتابشناسی ملی:	۴۸۹۲۰۰۸

سخن اول

تاریخ هر امت و جامعه‌ای بیانگر فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روشن و بدون ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاه‌ها و دانشمندان غربی را نیز در راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به‌رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به علت ناتوانی ذاتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریف به منابع اصیل، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع، آغاز حرکتی اساسی و همه‌جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و

رشته‌های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آمادۀ همکاری با همهٔ کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعهٔ ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجههٔ همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جملهٔ آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از پروژه‌های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد.

این مرکز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که ان شاء الله به زودی تعداد آنها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم‌سابقهٔ پژوهشکده، تأسیس دانشنامهٔ جغرافیای تاریخی جهان اسلام است که بزودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یکی از استادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع اصلی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکدهٔ تاریخ اسلام به وسیلهٔ پایگاه اینترنتی خود با همهٔ پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه، علاوه بر انعکاس همهٔ فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهندهٔ فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز و اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه‌جانبه، که انعکاس‌دهندهٔ همهٔ آثار موجود در زمینهٔ تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد.

علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانهٔ تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همهٔ تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.

سیدهادی خامنه‌ای

رئیس پژوهشکدهٔ تاریخ اسلام

فهرست مطالب

مقدمه مترجم	۱۱
پیشگفتار و سپاسگزاری	۱۹
مقدمه	۲۵
فصل اول: پزشکی هندی - اسلامی: [پزشکی] یونانی در هند پیشامدرن	۴۵
سنت یونانی در هندوستان	۵۵
امپراتوری مغول: بازار پزشکی	۵۶
حکیمان ایرانی	۵۸
ادبیات پزشکی مغولی: طب داراشکوهی و میزان الطب	۶۱
آموزش پزشکی جدید به زبان عربی: پزشکی یونانی در هند قرن هیجدهم	۶۸
آموزش پزشکی عربی	۶۹
بانویس ها	۷۹
فصل دوم: مواجهه با غرب: کمپانی هند شرقی انگلیس	۸۵
مقدمه	۸۵
مدرسه کلکته	۸۶

زبان آموزش پزشکی	۹۴
نهاد پزشکی بومی و انجمن پزشکی ادبیات اردو	۹۷
سابقه نهاد پزشکی بومی	۹۹
چهره اجتماعی نهاد پزشکی بومی	۱۰۱
دانش پزشکی با گویش‌های محلی: نهاد پزشکی بومی و چاپ سنگی اردو	۱۰۴
دانش جدید: از مدرسه تا درمانگری	۱۱۲
دانش جدید پزشکی و خدمات عمومی: مراقبت از جامعه	۱۱۵
تعطیلی کلاس‌های پزشکی در مدرسه کلکته و انستیتوی پزشکی بومی	۱۱۹
پانویس‌ها	۱۲۲
فصل سوم: کارکرد پزشکی: رفاه عمومی	۱۳۷
مقدمه	۱۳۷
سلامت و رفاه عمومی	۱۳۸
حاکمان منطقه‌ای و کمپانی: پیشبرد مایه‌کوبی ۱۸۰۲-۱۸۲۳	۱۳۹
جوامع پزشکی بومی، پزشکان و همه‌گیری بیماری وبا ۱۸۱۸-۱۸۱۷	۱۴۵
آن سوی همکاری در زمینه بیماری‌های همه‌گیر	۱۵۶
ورود صنعت چاپ، حمایت پزشکی، متن‌گرایی و اقتدار	۱۶۵
صنعت چاپ و تحول دانش پزشکی	۱۸۱
پانویس‌ها	۱۸۸
فصل چهارم: درمانگاه‌ها، شفاخانه‌ها و حوزه‌های علمیه	۱۹۹
مقدمه	۱۹۹
مدیریت و اداره درمانگاه‌ها	۲۰۰
اهدائندگان و بیماران: ایجاد جامعه‌ای برای پزشکی بریتانیایی	۲۰۲
درمانگاه ارایه‌دهنده مراقبت پزشکی	۲۱۰
درمانگاه: مکانی برای پژوهش بالینی مترپامدیکا	۲۱۲

محبوب‌شدن پزشکی غربی: درمانگاه به‌مثابه مدرسه آموزشی	۲۱۵
چالش پزشکی غربی در درمانگاه: آموزش یونانی و پزشک یونانی	۲۲۴
شفاخانه شاهی	۲۲۶
رقابت پزشکی استعماری در خارج درمانگاه‌ها: پزشکی یونانی در خانواده‌ها و کتابخانه‌های شخصی ..	۲۳۳
نسخه‌نویسی	۲۳۸
پانویس‌ها	۲۴۱
فصل پنجم: متون پزشکی اواخر قرن نوزدهم به زبان اردو	۲۵۵
مقدمه	۲۵۵
ادبیات پزشکی فارسی و ترجمه‌شده به اردو: ذخیره خوارزمشاهی	۲۵۷
علاج الغربا و میزان الطب	۲۶۳
در دسترس قرار دادن پیامبر: متون اردو به زبان محلی (مظهر العلوم و طب نبوی ^(ص))	۲۶۵
پیامبر و سیره ایشان: مقالات احسانی، طب احسانی و قرابادین احسانی	۲۷۱
علم‌گرایی، نجوم و پزشکی یونانی جدید: رساله فاروره	۲۷۷
پزشکی یونانی به‌مثابه آداب اجتماعی ایرانی‌شده: کتاب /خلاق کاشی	۲۷۹
کتاب‌های پایه و خودآموز: زبده الحکمه یا آئینه صحت	۲۸۲
دفاع از پزشکی یونانی: رقابت با ادبیات پزشکی بریتانیا	۲۸۵
پانویس‌ها	۲۹۱
فصل ششم: حکیمان جدلی: مطبوعات و نوسازی پزشکی یونانی	۲۹۷
مقدمه	۲۹۷
نقد درمانگاه	۳۰۰
نقد پزشکی یونانی به زبان اردو	۳۰۳
تقاضا برای حرفه‌ای‌شدن	۳۰۸
مطبوعات اردو زبان و نوسازی پزشکی یونانی	۳۱۷

۳۱۹	پزشکی یونانی و استعماری: مشارکت در فضای گفتگویی
۳۲۲	از چارچوب استعماری تا فضای ملی: ایجاد فضای فرهنگی برای پزشکی یونانی
۳۲۷	نگارش تاریخ پزشکی یونانی در هندوستان
۳۳۰	از فرهنگ و تاریخ تا ملت (ملک) برای پزشکی یونانی
۳۳۲	آگهی‌های روزنامه: تضاد استعماری - ملی
۳۳۳	پزشکان بریتانیایی، داروها و تبلیغات
۳۳۸	آگهی‌های تبلیغاتی: حکیم‌ها و نسخه‌های آنها
۳۴۴	پانویس‌ها
۳۵۱	فصل هفتم: از جهاواین - تولا تا تکمیل الطب لکهنو
۳۵۱	مقدمه
۳۵۳	خانواده عزیز حکیم‌های لکهنو: برنامه
۳۵۵	حکیم عبدالعزیز و چالش پزشکی استعماری: کالج تکمیل الطب لکهنو
۳۵۶	تکمیل الطب: همکاری و رقابت با دولت استعماری
۳۶۶	شکل گرفتن چهره ملی پزشکی یونانی
۳۷۱	حکیم به‌مثابه شخص متخصص: توازن اقلیم ملی با تخصص شبه‌قاره‌ای
۳۷۷	حکیم متخصص و فضای پزشکی استعماری
۳۸۰	ملی‌گرایی در برابر جماعت‌گرایی: پزشکی یونانی رنگ مسلمانان می‌گیرد
۳۸۲	گردهم‌آیی آموزشی مسلمانان، انجمن طبی و همایش پزشکی یونانی - ودایی
۳۸۶	گرایش‌های انجمن طبی: تغییر جهت به پزشکی یونانی مسلمانان
۳۹۳	پانویس‌ها
۴۰۱	نتیجه‌گیری
۴۰۷	کتابشناسی
۴۲۳	نمایه

مقدمه مترجم

زهی غفلت که ما را کرد زنجیر
وگر نه نیست از ما هیچ تقصیر
زهی طاقت که گر ما زین امانت
برون آییم ناکرده خیانت
زهی حسرت که خواهد بود ما را
ولی حسرت ندارد سود ما را
جهان عشق را پای و سری نیست
به جز خون دل او را رهبری نیست
کسی عاشق بود که پای تا فرق
چو گل در خون شود اول قدم غرق

عطار نیشابوری

مطالعه و پژوهش دربارهٔ سرزمین شگفتی‌ها از هر لحاظ به‌خصوص در زمینهٔ احیا و بازخوانی پزشکی سنتی، که در آن دیار طب سینایی یا یونانی خوانده می‌شود، بسیار سودمند و آموزنده است. زیرا ایران به‌صورت رسمی بیش از چهار دهه است قدم در راهی نهاده که هدف آن از یک سو احیای پزشکی سنتی و از سوی دیگر بومی‌سازی علوم است. افزون بر چنین راهبردی در سطح حاکمیت، در جامعه انواع پزشکی [و درمانگری] فعال است؛ در این میان درمانگران سنتی و عطاری‌ها با استفاده از شیوه‌های طب سنتی به نیاز بیماران پاسخ می‌دهند و مرتب بر شمار مراجعان آنها افزوده می‌شود. به موازات این دو واقعیت، در جامعهٔ دانشگاهی و روشنفکری [صرف‌نظر از نمود بیرونی] پرسش‌های اساسی دربارهٔ ماهیت، امکان‌پذیری، روشمندی، راهبرد، زبان، مقرون‌به‌صرفه بودن و ... در جریان است. از این منظر توجه به کشور هندوستان که در حال حاضر گفته می‌شود بیش از یک میلیون نسخهٔ خطی، ۱۵ هزار سنگ‌نوشته فارسی، تجربهٔ عینی خدمت‌رسانی، آموزش و پژوهش در طب سینایی دارد ضروری به‌نظر می‌رسد.

برای فهم بیشتر رویکرد احیاگرانهٔ پزشکی هند و بستر فرهنگی-زبانی آن به ذکر چند نکته در این مجال اکتفا می‌کنیم:

الف: پیشینه پزشکی در هند

شبه‌قاره هند که کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش و بخش‌هایی از افغانستان کنونی را در خود جای داده‌است، سرزمین شگفتی‌ها، تنوع‌ها و تضادها است. باستان‌شناسان معتقدند که در این قسمت از کره خاکی پیشینه حضور انسان به ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار سال پیش بازمی‌گردد. از این‌رو، یکی از کهن‌ترین و پویاترین تمدن‌ها در آن شکل گرفته، نقش بسیار مهمی در حیات آدمی داشته و ویژگی بارزی در آن پیش از دیگر صفات و ابعاد توجه محققان و اندیشمندان کنونی را جلب کرده‌است: مدارا و تحمل. بسیاری از باستان‌شناسان باور دارند که این ویژگی از دوره‌های بسیار دور در این تمدن وجود داشته و نهادینه گشته‌است. شاهد این مدعا، کشف ابزار و ادوات جنگی به جای مانده از دوره پیش از تاریخ است که امکان خشونت‌ورزی و کشندگی آنها بسیار کمتر از انواع مشابه سایر تمدن‌ها است. پدیده بسیار شگرفی که بدون شناخت آن فهم نهضت‌های معاصر، مبارزات ضداستعماری و حتی شکل‌گیری روندهای احیاءگری آنها بسیار دشوار است.

به هر روی در هند نفوذ زبان‌ها و ادیان گوناگون بسیار فراوان است. در این سرزمین ده‌ها زبان و صدها گویش رواج دارد؛ حداقل ۲۹ زبان که به هر یک از آنها بیش از یک میلیون نفر تکلم می‌کنند: قدیمی‌ترین و پرشمارترین پیروان دین‌های هندویی، بودایی، اسلام و ... در این شبه‌قاره سکنی دارند.

سابقه پزشکی هندی-آریایی به چند هزار سال پیش از میلاد برمی‌گردد. طبق الهیات هندی براهما، خالق جهان، متون ایوروذا درباره داروها و جراحی را به‌مثابه موضوعات اصلی تدوین کرده‌است. مفهوم اصلی ایوروذا^۱ با دهنوتاری^۲ مرتبط است. دهنوتاری خدای پزشکی هندو است.

پزشکی در دوره پیشاودایی و عصر ودایی [۶۰۰۰-۷۰۰ پیش از میلاد] به نیروهای ماوراءالطبیعه، سحر و غیره نسبت داده شده‌است. از این‌رو درمان شامل دعاها، خشنودسازی نیروهای ماوراءالطبیعی، آیین‌های دینی، طلسم‌ها و تعویذها است. در کاوش‌های باستان‌شناسی دره اندوس [پاکستان] شواهدی از دندان‌های دریل‌شده و ابزارهای

1 Āyurveda

2 Dhanvantari

دندانی کشف شده است. وجود این بقایا که به ۹۰۰۰ سال پیش نسبت داده شده، مراقبت از سلامت دندانی را مطرح می‌سازد. حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد، پزشکان هندی، اثر وودا^۱ را به نگارش درآورده‌اند که شیوه‌های درمانی را توضیح می‌دهد. اثر وودا بیماری‌ها را ناشی از روح‌های بد می‌داند و به شما می‌گوید این روح‌ها را می‌توانید با سموم یا اوراد بکشید و خوره [جذام] را با نوعی گل‌سنگ درمان کنید؛ زیرا گفته می‌شود اثر آنتی‌بیوتیکی دارد.

با ورود به دورهٔ پساودایی فرهنگ‌های گوناگون در سرزمین‌ها و شهرهای کوچک تعامل بیشتری پیدا کردند و آگاهی دربارهٔ رژیم سلامت، سبک زندگی و بهزیستی روند رو به رشدی یافت. بدین‌سان، روح بررسی و آزمون در همهٔ زمینه‌های دانش مخصوصاً پزشکی اهمیت یافت. سوشروتای^۲ جراح، که احتمالاً حدود ۵۰۰ پیش از میلاد می‌زیست، سرآمد این دوره است. از او کتاب سمهتیه^۳ باقیمانده که روش‌های جراحی را شرح می‌دهد. در این کتاب نحوهٔ کشیدن دندان، ثابت کردن استخوان‌های شکسته و نیز بلوکاژ روده‌ها آمده است. افزون بر اینها، عمل جراحی حذف کاتاراکت که بعضی اوقات بینایی را کم می‌سازد توضیح داده شده است. سوشروتا از شراب به عنوان تنها عامل بی‌حسی استفاده می‌کرد. در همین دوره صافی‌های ماسه‌ای و زغال برای صاف کردن آب به کار می‌رفته است.

حدود سال ۲۰۰ میلادی، پزشکان هندی، شبیه درمانگران چینی و یونانی عقیده دوششا یا طبع را جایگزین روح‌های بد ساختند. شاید در همین ایام چارکه^۴ کتاب خود را به رشتهٔ تحریر درآورده است. او تشخیص داد که در چندین بیماری پیشگیری بهتر از درمان است و حفظ توازن طبع‌ها را برای سلامت توصیه کرد. چارکه سه طبع صفرا، بلغم و باد را شناخت و گفت اگر مزاج شما نامتوازن گردد، برای بازگرداندن تعادل باید درمان انجام داد. او می‌دانست که رگ‌های خونی، غذا را به همهٔ قسمت‌های بدن می‌رسانند و فضولات را از آنها برمی‌گردانند. چارکه اولین منبع هندی دربارهٔ آبله است.

1 Atharvaveda

2 Suśruta

3 Samhita

4 Charaka

ب: هند، ایران و اسلام

تعامل یا ارتباط دو تمدن دیرین شرقی در شکل‌گیری و رشد تمدن اسلامی و نیز سرنوشت انسان بسیار تأثیر گذاشته‌است. رابطه دو سرزمین ایران و هند به هزاران سال قبل بازمی‌گردد و ماهیت بازرگانی داشته‌است. کاروان‌هایی که از هند و ماوراءالنهر به سمت مدیترانه می‌رفتند باید از فلات ایران عبور می‌کردند. یافته‌های باستان‌شناختی دره سند حاکی از آن است که دو تمدن ایران و سند ارتباط نزدیکی با هم داشته‌اند. در زمان هخامنشیان منطقه شمال غرب هند به‌ویژه سند و قندهار جزء امپراتوری ایران به حساب می‌آمد. هروودوت معتقد است «هندوکش» ایالت بیستم امپراتوری ایران بوده‌است. در دوره این سلسله روابط خوب ایران و هند ادامه یافت و در حکومت ساسانیان این رابطه با حاکمان هند از جمله سونکاه‌ها، کوشان‌ها و گوپتاها تداوم داشت؛ و مناسبات تجاری گسترش زیادی پیدا کرد. خسرو انوشیروان برزویه طیب را برای آشنایی بیشتر با پزشکی و شیوه معالجه هندی‌ها به آن منطقه اعزام نمود. او در بازگشت با خود کتاب‌های متعددی از جمله کلیله و دمنه را به ایران آورد و به زبان پهلوی ترجمه کرد. دو رخداد تاریخی بر این تعامل تأثیر بسیار زیادی گذاشته‌است: ظهور اسلام و حمله به ایران و سپس هند نخستین نقطه عطف تأثیرگذار بود که با برجسته‌شدن نقش ایران به مثابه واسطه انتقال علم و هنر هندی به تمدن اسلامی همراه شد. با این رخداد تعداد زیادی از زرتشتیان ایران به هند مهاجرت کردند که امروزه اعقاب آنها به پارسیان مشهور هستند. در دوره اسلامی کتاب‌های زیادی از سرزمین‌های مختلف به دارالخلافه آورده شد. در این میان نقش خانواده برمکی به‌خصوص جعفر برمکی وزیر ایرانی در انتقال و ترجمه پزشکی هند به جامعه اسلامی بسیار حیاتی بود. او به پزشکی هند بسیار بیشتر از یونانی علاقه داشت. از این‌رو مسافرانی برای آشنایی و تهیه کتاب‌ها و داروهای این منطقه به آنجا فرستاد و تعداد زیادی از پاندمیت‌ها و وایدها را برای خدمت به بغداد فراخواند. افزون بر این دانشمند مشهور ایرانی ابوریحان بیرونی چند دهه از عمر خویش را برای شناخت سرزمین شگفتی‌ها صرف کرد و کتاب تحقیق ماللهند را به رشته تحریر درآورد. حاصل این تلاش‌ها ترجمه شمار زیادی اثر به عربی شد که ابن‌ابی‌اصیبعه [۱۲۷۰م/۶۶۸هـ] در

کتاب *عیون الانباء فی طبقات الاطباء* فصل کاملی به معرفی این کتاب‌ها و مترجمان آنها اختصاص داده‌است. دیگر مورخان از جمله ابن‌ندیم و جاحظ نیز به تفصیل در این‌باره سخن گفته‌اند. شاهد‌های این مدعا یکی نقل قول‌های محمدبن زکریای رازی در کتاب *الحاوی* از نوشته‌های هندیان است؛ دیگری جریان داشتن پزشکی سنتی در هندوستان کنونی به نام طب سینایی.

رخداد دوم تسلط مغول‌ها بر بخش وسیعی از هندوستان است که تا سال ۱۲۴۷ هجری ادامه یافت. در دوران حکومت گورکانیان به تدریج فرهنگ ایرانی بر حوزه‌های وسیعی از زندگی هندیان نفوذ گسترده‌ای یافت.

اشراف و دولتمردان لباس ایرانی می‌پوشیدند؛ رفتار و خلیات ایرانی سرمشق آنان بود. تلفیقی زیبا از دو فرهنگ در عرصه‌های مختلف معماری، نقاشی، موسیقی، شعر، آیین‌ها، علم و صنعت پدیدار گشت و در یک دوره هشتصدساله زبان فارسی نه تنها زبان نخبگان، درباریان و دیوانیان شد، بلکه مردم عادی نیز به آن سخن می‌گفتند. درواقع فارسی زبان دوم بخش وسیعی از هندوستان گردید. آنها از شعر فارسی لذت می‌بردند و گاه سروده‌های خود را به این زبان می‌سرودند. به هر حال تأثیر و تأثر این دو سرزمین پایدار و درونی گشت؛ چنانکه استاد صفوی معتقد است زبان فارسی بر همه زبان‌های هندی از جمله بنگالی، پنجابی، مراتی، گجراتی، تلوگو و هندی تأثیر گذاشت؛ گرچه هر یک از آنها حاوی تعداد زیادی لغات و عبارات فارسی هستند. در ایران نیز تأثیر این تعامل را در عرصه‌های مختلف از جمله عرفان و آیین می‌توان ردیابی و مشاهده کرد.

ج: کمپانی هند شرقی

کشیش توماس استیفن^۱ در سال ۱۵۷۹ یعنی هشتادسال پس از سفر واسکوداگاما^۲ از هند دیدن کرد. گزارش او باعث شد انگلیسی‌ها نسبت به امکانات و استعداد سرزمین شگفتی‌ها و تنوع‌ها حساس شوند. در ۳۱ دسامبر سال ۱۶۰۰ به فرمان الیزابت کمپانی بازرگانان لندن برای تجارت با هند شرقی تأسیس گردید. انگیزه و عامل اصلی برای ایجاد این کمپانی افزایش قیمت ادویه به‌ویژه فلفل دانسته شده‌است. هیئت مدیره این کمپانی

1 Thomas Stephen

2 Vasco da Gama

اوایل به صورت مخفی به کار اشتغال داشتند. از این رو گاه از آنها به نام کمیته سری یاد شده است. در دوران چارلز دوم کمپانی به سرعت رشد کرد و حق تصرف قلمرو، ضرب سکه، انعقاد پیمان اتحاد، اعلام جنگ و کنترل امور داخلی و قضایی را به دست آورد. افزون بر این، اواخر قرن هجدهم با خروج فرانسوی‌ها از هندوستان از یک سو و فروپاشی امپراتوری ماراتا [مراتا] از سوی دیگر انگلیسی‌ها مستملکه هندی خود را بنا نهادند. بنابراین، زمینه فعالیت کمپانی گسترش بسیار زیادی یافت و تأثیر بسیار شگرفی بر سرنوشت هندیان و تاریخ جهان برجای نهاد. این رویداد در کنار دیگر مواجهه‌های دوران استعمار در سایر کشورها به شکل‌های مختلف باعث شد شرق و جهان اسلام واکنش‌های متنوعی نسبت به غرب از خود نشان دهند. بدین سان جنبش‌ها، نهضت‌ها و گفتمان‌های متعددی شکل گرفت و هر یک از آنها به نوعی در صدد استخراج عناصری از فرهنگ، تاریخ و باورهای خویش برای این رؤیا برآمدند و در عین حال به خودآگاهی بیشتری، نسبت به پرسش اساسی دربارهٔ مسبب اصلی شرایط، وقوف پیدا کردند و رابطه با میهمان ناخوانده را تعریف نمودند.

برای پاسخگویی به این پرسش بنیادین، نحله‌های فکری علم و صنعت را دستمایه بحث‌ها و عامل تأثیرگذار مهم بر عقب‌ماندگی دانستند و راه‌های مختلف برای دستیابی به آن را پیشنهاد کردند:

- گروهی علم، پزشکی و صنعت موجود خود را بلااستفاده دانستند و تنها برای کسب دانش جدید غربی تلاش کردند؛
- دسته‌ای به پیشینه علمی سرزمین خویش دلخوش داشتند. اینان به اینکه غربی‌ها دانش ما را اخذ کرده‌اند و آنچه آنها دارند در کتاب‌های علمی شرقی‌ها [و مسلمان‌ها] وجود دارد بسنده نمودند؛
- گروه سوم واقعیت‌ها و تغییراتی را، که در جهان و نظریات علمی ایجاد شده است، پذیرفتند و در صدد برآمدند تلفیق آشکاری از این دو [علم جدید و قدیم] به وجود آورند. کتاب پیش رو تلاشی برای نشان دادن چنین رویکردی در شبه‌قاره هند در دوره استعماری است و سعی دارد این مقوله را در بستر اجتماعی بسیار پیچیده این کشور مورد کندوکاو قرار دهد.

اینجا بر خود لازم می‌دانم از همهٔ افرادی که در ترجمه و انتشار این اثر، در شرایط سخت کمبود منابع و دسترسی به اطلاعات، یاری‌رسان من بودند تشکر کنم؛ به‌ویژه از جناب آقای دکتر حیدری‌نیا برای تهیهٔ کتاب، از جناب آقای دکتر خلیفه برای خواندن کتاب و تصحیح آن، از جناب آقای دکتر ذوالفقاری برای پیگیری‌های مجدانه و نیز از دوستانی که در نقل و انتقال کتاب و نسخهٔ تایپی قبول زحمت کردند صمیمانه و خالصانه سپاسگزاری می‌نمایم. از حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای سیدهادی خامنه‌ای و همکاران عالیقدرشان به‌ویژه جناب آقای خلیل قویدل مسئول محترم انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام که امکان انتشار کتاب را فراهم آوردند، از سرکار خانم گل‌یاس که زحمت تایپ کتاب را برعهده داشتند و سرکار خانم دکتر فهیمه شکیبا که ویرایش کتاب را متحمل شدند سپاس ویژه دارم. از تمامی اهل نظر و خوانندگان گرانقدر درخواست می‌کنم بر صاحب این قلم منت نهند و کاستی‌ها و نقصان‌های کتاب را اعلام کنند تا در چاپ‌های بعدی به‌حول و قوهٔ الهی در رفع آنها بکوشم.

هر که شد مستطیع فضل و هنر رفتن هند واجب است او را

قربان بهزادیان‌نژاد

استاد سابق دانشگاه تربیت مدرس

فروردین ۱۳۹۵

پیشگفتار و سپاسگزاری

مادر بزرگ مادری‌ام، بیگم اعجاز جهان [۱۹۱۵-۲۰۰۰م] مرا با دنیای پزشکی یونانی آشنا ساخت. او دختر بزرگ حکیم عبدالعزیز مؤسس خانواده‌ی عزیزی حکیم‌های لکهنو است. به‌واقع، بیگم به طب یونانی به‌مثابه سیستم پزشکی نمی‌نگریست، بلکه آن را شکلی از معالجه یا شیوه‌ی زندگی تلقی می‌کرد. او داستان دوستی‌های صمیمی خانواده‌اش با جراحان غیرنظامی بریتانیایی لکهنو را با من به اشتراک می‌گذاشت و مرا وادار می‌ساخت بار دیگر درباره‌ی تجربه‌ی استعماری کشورمان و تأثیری که بر زندگی روزمره‌ی ما نهاده‌است بیندیشم. خانه‌ی مادری مادر بزرگم، کالج تکمیل‌الطب لکهنو، برای من مظهر پیچیده‌ای از فرهنگ پزشکی بومی و طرح جهانی علم پزشکی گردید. همین آشنایی باعث شد به جایگاه اختصاصی خانوادگی‌ام به‌عنوان حکیم‌های دانشور شهر، که از حکیم‌های جعلی^۱ متفاوت بوده‌اند، افتخار کنم و برای مطالعه‌ی تاریخچه‌ی مدرسه‌ی طب یونانی در سنت طبقاتی (هند) مصمم شوم. این کتاب، بی‌آیند تلاش‌هایم برای فهم داستان اجتماعی شمال هند از راه بررسی مستندات، تاریخ و تحول سنت پزشکی یونانی است. بررسی متون و درمانگرهای یونانی از قرن هفدهم تا قرن بیستم روشن‌کننده‌ی تاریخ اجتماعی پیچیده‌ی این دوره است که به آن اهتمام ورزیده‌ام.

مقاله‌های کلودیا لایبسکیند^۲، درباره‌ی خانواده‌ی عزیزی اولین مشوقم در مطالعه‌ی تاریخ

1 Neem

2 Claudia Leibeskind

خانوادهٔ مادر بزرگم شد. انرژی و تشویق‌های نامحدود مارگریت پرنو^۱ باعث شد که بر تردید گام‌های آغازینم غلبه کنم و وقت کافی و ارادهٔ جدی برای این کار بگذارم. مظفر عالم در حال بیماری با دقت بحثم را شنید و برای غنی‌سازی جنبه‌های پیشامدرن کتاب کمکم کرد. سُمیت سرکار^۲ و جاوید مجید نیز در مراحل آغازین پژوهش توصیه‌های ارزشمندی ارائه کردند.

تحقیق برای گردآوری این کتاب در لکهنو، علیگره، دهلی‌نو و لندن صورت گرفت. در لکهنو، من با موفقیت مستندات ارزشمندی به‌دست آوردم و اعضای خانوادهٔ مادر بزرگم عبدالرحیم عزیزی [نوهٔ حکیم عبدالعزیز]، عموی مادرم خواجه شاکر حسین [نوهٔ حکیم عبدالعزیز] و سید امتیاز علی [بزرگ خانوادهٔ عزیزی و دبیر پیشین کالج تکمیل الطب لکهنو] کمک‌های ارزنده‌ای کردند. به کارکنان کتابخانهٔ شبلی در ندوة العلماء، کتابخانهٔ کالج تکمیل الطب و کتابخانهٔ عمومی امیرالدوله لکهنو بسیار مدیونم. واژهٔ خاصی پیدا نمی‌کنم تا با آن از عبیدالرحمان ندوی برای کمک‌های ارزشمندش سپاسگزاری نمایم. در دهلی‌نو، ساجد رضوی در تهیهٔ خلاصه‌ها و ویرایش کمک درخور ستایشی انجام داد. در علیگره، حکیم سید زیلور رحمان از کالج طبی زمان زیادی به من اختصاص داد و اسناد را سخاوتمندانه در اختیارم گذاشت. در لندن، کتابخانهٔ بریتانیا و ولکام تراست^۳ منابع بسیار ارزشمند فارسی، اردو و انگلیسی را برایم فراهم آوردند. خوشوقتم به دوستم گای اتول^۴ در مؤسسهٔ ولکام لندن برای طرح نظرات و فرصتی که در اختیارم گذاشت، سپاس خود را تقدیم دارم. از سوی دیگر، به دوستم کاترین پریور^۵ به‌خاطر حمایت فکری و آرام ساختن منزلش برای دسترسی به کتاب‌ها مدیونم؛ کتاب تازه منتشرشده دربارهٔ طب یونانی حیدرآباد بر غنای بعضی از یافته‌هایم دربارهٔ شمال هند بسیار افزود.

اعطای فلوشیپی اسموتس^۶ در سال‌های ۲۰۰۲-۳ قادرم ساخت تا در محیط پُرانگیزه و روشنفکرانهٔ دانشگاه کمبریج این کتاب را کامل کنم. در اینجا از حمایت فکری و دوستانهٔ

1 Margarit Pernau

2 Sumit Sarkar

3 Wellcome Trust

4 Guy Attewell

5 Katherine Parior

6 Smuts

کریس^۱ و سوزان بسایلی^۲، گوردون جوهنسون^۳، راج چاندواوارکار^۴، تیم هارپر^۵، ریچارد درایتون^۶ و فرانسیسکا ارسینی^۷، که در گردآوری کتاب بسیار مؤثر بودند، تشکر و قدردانی می‌کنم. افزون بر اینها، از گنجینه غنی کتابخانه دانشگاه کمبریج و مرکز مطالعات آسیایی جنوب بهره‌ها برده‌ام که جا دارد سپاس خود را از آنان ابراز دارم. از دوستان دوست‌داشتنی روزهای دانش‌آموزی‌ام در بریتانیا کاترین پریور، مایک هیرست^۸، سیمون دانکلی^۹، اکل ناچتیگال^{۱۰} و کلم اهیجین^{۱۱} که باعث شدند همواره احساس کنم در خانه‌ام هستم سپاسگزاری می‌کنم.

فلوشیپ یک‌ساله کتابخانه هاروارد-ینچینگ، در دانشگاه هاروارد سال ۲۰۰۵، فرصت مغتنمی شد تا وقت خود را به نوشتن اختصاص دهم. من به کارکنان کتابخانه وایدنر^{۱۲} در هاروارد، به خاطر در دسترس قرار دادن هر منبعی که برای این کار نیاز داشتم، وام‌دار هستم. ضیافت‌های متعدد و مباحثات روشنفکرانه عایشه جلال و سوگاتا بوس سر میز غذاخوری، فرایند نوشتن را برایم دلنشین می‌ساخت. این کتاب، روزی را بدون گرمی، دوستی و مهربانی آنها به یاد نمی‌آورد. حضورشان به اقامتم در هاروارد، از نظر فکری و اجتماعی، روح می‌بخشید. دیگر کسانی که هنگام اقامتم در امریکا با دوستی‌ها و گفت‌وگوهای علمی‌شان برایم خاطره‌آمیز شدند عبارت‌اند از: اوپندر سینگ^{۱۳}، سونیل شرما^{۱۴}، روبرت تراورس^{۱۵}، دوربا قوش^{۱۶}، مایا جاسانوف^{۱۷}، سانا ایار^{۱۸}، نی‌تی نایر^{۱۹}، لاین ویتام^{۲۰}، سئونگ می‌هان^{۲۱}، زوکسینانگ^{۲۲}، لی‌کنگ^{۲۳}، انگسنگ

-
- 1 Chris
 - 2 Susan Bayly
 - 3 Gordon Johnson
 - 4 Raj Chandavarkar
 - 5 Tim Harper
 - 6 Richard Drayton
 - 7 Francesca Orsini
 - 8 Mike Hirst
 - 9 Simon Dunkley
 - 10 Elke Nachtigall
 - 11 Colm O' Higgins
 - 12 Widener Library
 - 13 Upinder Singh
 - 14 Sunil Sharma
 - 15 Robert Traverse
 - 16 Durba Ghosh
 - 17 Maya Jasanoff
 - 18 Sana Aiyar
 - 19 Neeti Nair
 - 20 Elaine Witham
 - 21 Seung Mi Han
 - 22 Zhou Xiang
 - 23 Li Kang

هو^۱، کریم و لیلی فواز، شروتی کاپیلا^۲، سیداکبر حیدر، آناند ا. یانگ^۳، ویجی پنچ^۴، میشل اچ. فیشر^۵، کنتون و مارلی کلایمر^۶، شریل و چارلز مارتین^۷، اندرانی چاترجی^۸ و سومیت گوها^۹؛ بیشتر از چهار سال بخش‌هایی از این کتاب را در کنفرانس‌های مختلف ارائه و راهنمایی‌هایی از طریق این دانشمندان گرانقدر دریافت نمودم.

خوشحالم که به دوستان و همکاران دیگرم در دهلی‌نو، جامعه اسلامی ملیه، ماکس مولر بهاوان و دانشگاه کلکته، دانشگاه‌های کمبریج، آکسفورد و لندن [SOAS] در بریتانیا، مرکز تحقیقات علوم اجتماعی برلین آلمان، دانشگاه هاروارد، دانشگاه جورج واشنگتن در واشنگتن دی‌سی، دانشگاه واشنگتن در سیاتل و دانشگاه دوک ادای احترام کنم.

بالاخره به دوستان و خانواده‌ام در هند، که شرایط حمایت عاطفی، گفت‌وگوی روشنفکرانه و هم‌نشینی صمیمانه را فراهم آوردند، تشکر خود را تقدیم می‌نمایم. من به ویراستار اندیشمندم روکون ادوانی^{۱۰}، که استانداردهای حرفه‌ای گرایشی را با صمیمیت‌های دوستانه در هم آمیخت، افتخار می‌کنم. همچنین به دوستان فوق‌العاده‌ام موکول کساوان^{۱۱}، شهینی غوش^{۱۲}، سابینا گادیهوک^{۱۳}، اوماسینگ^{۱۴}، فریده خان، مینا بهار گاوا، رادیکا سینگا^{۱۵}، راوی واسودروان^{۱۶}، دلیپ منون^{۱۷}، احمد ظهیر و زکیه ظهیر برای همفکری با من در سختی و راحتی و اینکه به همه کج خلقی‌هایم با لبخند صمیمانه پاسخ دادند تشکر می‌کنم.

به برادرم ناصر علوی و خواهر ناتمام فرح و دو دختر زیبایم مریم و عایشه مدیونم و نمی‌دانم چگونه از عهده بزرگواری آنان برآیم و البته والدینم روشن و شریق علوی که همواره منشأ الهام و تقویت روحی‌ام بوده‌اند. اعتماد آنها به توانایی‌ام در سفرهای علمی و پیگیری

- 1 Engseng Ho
- 2 Shruti Kapila
- 3 Anand A. Yang
- 4 Vijay Pinch
- 5 Michael H. Fisher
- 6 Kenton and Marlie Clymer
- 7 Cheryl and Charles Martin
- 8 Inderani Chatterji
- 9 Sumit Guha
- 10 Rukun Advani
- 11 Mukul Kesavan
- 12 Shohini Ghosh
- 13 Sabeena Gadihoke
- 14 Uma Singh
- 15 Rodhika Singha
- 16 Ravi Vasudervan
- 17 Dilip Menon

اندیشه‌هایم طاقت بی‌حدی به من می‌دهد. به همهٔ آنها این کتاب را با عشق تقدیم می‌کنم.
برای درک بهتر کتاب اعراب‌گذاری نکرده‌ام؛ ولی واژه‌های بومی را مطابق با
آواشناسی شمال هند آورده‌ام. در آخر کتاب، همهٔ این واژه‌ها را شرح داده‌ام.^۱

۱ این شرح به دلیل آنکه برای خواننده فارسی زبان بدیهی است، ترجمه نشده است. - م.

مقدمه

پزشکی هندی-اسلامی^۱ یا سنت یونانی^۲ که عموماً در شبه‌قاره شناخته شده‌است با فرهنگ سیاسی مغول وارد منطقه گردید و توسعه یافت. درحالی‌که این سنت بدن را درمان می‌نمود، اثر ژرفی نیز بر تحولات جامعه داشت. این کتاب سعی دارد ماهیت و گستره کنش متقابل سنت پزشکی را بر جامعه و سیاست‌های هند در یک دوره بیش از سیصد سال، یعنی ۱۶۰۰-۱۹۰۰ میلادی، نشان دهد.

بدین منظور، طیف وسیعی از منابع را بررسی کرده‌ام: بعضی از کتاب‌های مهم فارسی در مرحله پیشاستعماری، بایگانی (آرشیو) مستعمره انگلستان، متن‌ها و پمفلت‌های اردو، روزنامه‌های محلی و اسناد شخصی خانواده‌ها. تنوع منابع مرا به بازخوانی تاریخ‌نگاری مواجهه پزشکی هندی با پزشکی غربی واداشت. اعتقاد دارم این کتاب، اولین کوشش برای بیان تاریخچه سنت پزشکی مسلمانی-هندو و تحول بعدی آن با قرار دادن در قاب [چارچوب] زمانی پیشاستعماری و استعماری است. تجربه پیشگامان عقیده استفاده از قانون مغول طی قرن‌ها بیشتر از چارچوب استعماری بریتانیا موجب گردید فهم مناسبی از برخورد پزشکی هندی با غرب شکل بگیرد.

۱ واژه Indo-Muslim به دو سنت پزشکی یونانی یا اسلامی متعلق به مسلمانان و نیز پزشکی ایورودا که هندوها درصدد احیای آن بودند اشاره دارد. ما در ترجمه همان هندی-اسلامی را به کار برده‌ایم. -م.

۲ در شبه‌قاره هند پزشکی اسلامی، پزشکی یونانی، طب سنتی و پزشکی اسلامی-یونانی معادل هم دانسته می‌شوند. -م.

در این مطالعه، نشان داده خواهد شد که در دورهٔ اوج استعمار، درمانگران میراث فکری خود را زنده نگه داشتند. آنها برای حفظ و بازآرایی میراث مغول، کنترل دانش و یکپارچه‌سازی زبان‌های معیار قدرتمندانه ستیز می‌کردند. درمانگران احساس می‌نمودند از ناحیهٔ تازه‌واردهایی که با انتشار فرهنگ چاپی و آموزش فرصت به‌دست آورده بودند تهدید می‌شوند. در مقابل، تمایزات و تفاوت‌های داخلی ایجادشده در پزشکی یونانی تهدید شدن از ناحیهٔ پزشکی استعماری را ظاهراً بی‌اثر می‌کرد.

این کتاب نقش دولت را سست نمی‌کند بلکه بیشتر از آنکه تهدیدهای نیروی استعماری را بررسی کند، بر چگونگی حضور بیگانگان در کشور تمرکز می‌کند. این پدیده‌ای بود که پزشکی هندی-اسلامی را در مدرنیته تعریف کرده و بر مفهوم ملت، به‌مثابه اقلیمی که از آن سر برآورده، تأثیر گذاشته‌است.

جایگاه تاریخ‌نگاری موضوع

مورخان دورهٔ مغول^۱، ادبیات شرق‌شناسانه‌ای را که علم و پزشکی هندی را ایستا و روتقافتاده و سازگار با حکومت هندی-اسلامی خوانده است رد می‌کنند.^(۱) افزون بر این، مورخان دیدگاه‌هایی برای پیشرفت در علم، فناوری و پزشکی در هند پیشامدرن ارایه نموده‌اند. تأکید این مورخان بر حکومت‌محوری استوار است. آنها عمدتاً پزشکی را جزیی از شاخص‌های رفاه عمومی پادشاهی می‌دیدند و نظارت حکومت بر جامعه را از راه مداخلات پادشاه بر حوزهٔ مراقبت پزشکی نشان می‌دادند. از این رو، بررسی بیمارستان‌هایی که توسط حکومت اداره می‌شدند برای مورخان هند دورهٔ میانه، جالب است.^(۲) در این رویکرد، فناوری پزشکی نیز به صورت اولیه برای درک حکومت بررسی شده‌است. آنها پیشرفت فناوریانه پزشکی کاربردی را به تفصیل شرح می‌دهند تا سطح حمایت حکومت از فناوری را عرضه کنند.^(۳)

اخیراً اهمیت متون پزشکی دورهٔ مغول و درمانگران آنها در ساختن امپراتوری^۲ مورد مطالعه قرار گرفته‌است.^(۴) در کنار این تلاش‌ها، باید گفت آنها قادر به شکستن محدودیت

۱ به گورکانیان، بابریان یا تیموریان اشاره دارد. این سلسله از سال ۱۵۲۶ تا ۱۸۵۷ میلادی در بخش بزرگی از شبه‌قارهٔ هند شامل کشورهای کنونی هند، پاکستان، بنگلادش و قسمتی از افغانستان حکومت کردند. - م.

علام [سندروم] حکومت قوی^۱ نبوده‌اند. آنها همخوانی ساده‌ای بین درمانگرها و دیوانسالاری مغول برقرار ساختند. ظاهراً درمانگرها بازوی حکومت بودند.^(۵) بدین‌سان مطالعات اولیه متون پزشکی در دسترس با ساختار حکومت پادشاهی انطباق دارد.^(۶) در چشم‌انداز تحقیق، پزشکی به‌مثابه علمی که بازوی اجرایی [مدیریتی] حکومت است، نمایان می‌گردد. از این‌رو، از زمانی که حکومت را در خارج جامعه قرار دادند، پزشکی نیز بیرون از جامعه و فرهنگ واقع شد و در ادامه، سنت پزشکی با افول حکومت حامی تضعیف گردید.

این کتاب دولت را برتر نمی‌داند؛ ولی هویت سیالی درون جامعه می‌بیند که، مستمراً با فرهنگ سیاسی شکست‌خورده، قطعه‌قطعه می‌شود.^(۷) در امپراتوری مغول، نشان داده شده پزشکی شکل اصلی معالجه بوده و برای ساختن فرهنگ سیاسی پادشاهی به‌کار رفته‌است.^(۸) در حقیقت، سنت پزشکی گسترش می‌یابد و با استقرار ساختار هندی-اسلامی جامعه دینی سازگار می‌گردد.

بنابراین، این بحث مطرح است که سنت پزشکی مغول در جامعه و سیاست‌های هندی تاب بیشتری آورده‌است. این رویکرد نسبت به مطالعات پیشین، تا حدی نمایان‌تر شده‌است. به‌هرحال درهم تنیدگی سنت پزشکی با جامعه هندی بعد از سقوط سلطنت مغول نیز ادامه می‌یابد.^(۹)

فصل آغازین کتاب نشان می‌دهد که چگونه در هند مغولی سنت پزشکی در مرکز جامعه و سیاست قرار گرفت. درمانگران دانشور [حکیم] سنت پزشکی یونانی بر تظاهر رفتار جسمی، به‌مثابه اصل سلامت، تأکید کردند. این پدیده بسیار مشابه روشنفکری در طبقات بالای دولت مطلق‌گرای فرانسوی است. در این دوره پزشکان مرتبط با دربار و آگاه به متون پزشکی دانشنامه‌ای فارسی، که رفتارهای اجتماعی و برگزیده‌مانند رژیم‌های درمانی^۲ را قانونمند می‌ساختند، شناخته می‌شوند. نزدیکی حکیم‌ها با دربار این باور را که سلامت ویژگی طبقه اشراف است تقویت و حمایت می‌کرد. در هند دوره مغول، متون پزشکی نمودی از رفتار اجتماعی و مدنیت است. شگفت‌آور نیست، که این کتاب‌ها به سبک ادبیات آیین معاشرت مغولی، که اخلاق نامیده شده، تدوین یافته و به

1 Powerful State Syndrome

2 Health regimes

جریان افتاده است. متون و نویسندگان پزشکی توسط حکومت حمایت می‌شدند، از این‌رو در ساختن قدرت سیاسی مشارکت داشتند و اما بر فرهنگ و جامعه تأثیر درازمدت می‌گذاشتند. آنها هنجارهای مدنی را نیز، که حتی بعد از سقوط امپراتوری در نظر و عمل ادامه یافت به وجود آوردند.

بحث کردن از این سنت در متن جامعه ما را قادر می‌سازد تاریخ تحول آن را در قرن هیجدهم درک کنیم. در این دوره ساختار رسمی حکومت مغول برجیده شد. از این‌رو، سعی دارم در این کتاب نظارت شدید روشنفکران، نخبگان و طبقات بالا را، که غالباً مسلمانانی با هنجارهای مغولی و مدنیت ایرانی هستند و در قرن هیجدهم این کارکرد آنها مورد تهدید قرار گرفته است، نشان دهم. در این ایام، حکومت مغول در مناطقی سقوط کرد که زبان فارسی را برای محاوره برگزیدند و آن را عمومی ساختند و نیز ادبیات پزشکی و آیین همزیستی را به این زبان برای بخش وسیع‌تری از جامعه در دسترس قرار دادند. افزون‌بر این، دستیابی به وضعیت موقرانه نسبتاً آسان است. در این دوره انتقال حکومت‌های محلی، به تنوع زبانی، طبقه روشنفکر و خانواده‌های پزشک اهمیت داده می‌شود زیرا هردو سعی داشتند با جدا شدن از فرهنگ نسبتاً عمومی دربار و هنجارهای مدنیت ایرانی جایگاه و حمایت خود را حفظ کنند. اینان از عربی به مثابه زبانی که دانش پزشکی را حفظ نموده و منتشر ساخته است نیز بهره گرفتند.

برخلاف متون فارسی، ادبیات پزشکی عربی با واقعیت‌های اجتماعی رویاروی نویسنده سازش نیافته بود. اما کتاب‌های پزشکی عربی، ترجمه یا تألیف بخش‌هایی از مجموعه آثار میراث یونانی-عربی متعلق به ابن سینا، بقراط و جالینوس بودند. این گذر از فارسی به متون عربی از بی‌آیندهای اندیشه‌های مدنی اواخر دوره مغول و نیز عقیده‌ای بود که سلامت را فضیلت اشراف می‌دانست. متون عربی، متشکل از سنت علم‌گرایی یونانی و فاصله‌گیری از ظاهر مغولی ایرانی‌شده با عقاید رفتاری نخبگان بود. بدین‌سان آموزش عربی جامعه پزشکی نوینی به وجود آورد.

این کتاب تأثیر پزشکی در غرب هند از طریق پیروزی بریتانیا از ۱۷۵۷ را مطالعه می‌کند و سیر آن را در بستر سنت پزشکی هندی-اسلامی بسیار قدرتمندی که این رویارویی در آن به وقوع پیوسته است بحث می‌نماید. در مطالعات اخیر، که درباره